

بخش چهارم

برگزیده اظهارات اولیه ی عاملین قتل های حکومتی

توضیح: پرائنتر های رنگی از مرزپرگهر می باشد

غلط های دستوری و نوشتاری از خود نویسندگان است و ویراستاری نشده اند

اظهارات اولیه ی ابوالفضل (کاند) مشهور به مسلم (نام مستعار سازمانی و اداری) با نام ساختگی عبد الله اسدی

صفحه ی 846 پرونده ی قتل های حکومتی

..... عبدالله اسدی کارمند وزارت اطلاعات 1377/10/13 نام پدر عباس متولد 1340 شماره شناسنامه 1023 صادره از تهران "اینجانب به مقتضیات شغلی که دارم (نیروی عملیات) و طبق روال گذشته که در پرینت کاری (برنامه کاری) که در وزارت (اطلاعات) برایم در نظر گرفته شده به جز موارد کاری که شامل دستگیری و بازرسی و انتقال و ربایش و طراحی و هدایت عملیات انجام حذف فیزیکی هم در برنامه کاری پیش بینی شده لذا طبق روال گذشته فقط اجرای حکم داریوش (فروهر) و همسرش به ما (اعضای تیم عملیات) محول شد و آن هم طبق دستور سلسله مراتب یعنی از سوی مسئول اداری سپس مدیر کل مربوطه و ما هم از قدیم تا این حد را مجاز بودیم بدانیم به خاطر مسائل حفاظتی و امنیتی و مسئولین دستور دهنده بالاتر را نمی شناسم و ما هم طبق روال قبل که کار از سوی آنها ابلاغ می شد و سپس انجام می شد این کار را هم به اتفاق برادران قبول کردیم و در (تاریخ) 8/30 به دستور مسئولین اداره و مدیر کل عملیات را شروع کردیم و همه به اتفاق به درب منزل فروهر رفتیم و پس از دق الباب و وارد شدن به منزل عملیات با موفقیت انجام و از منزل خارج شدیم. لازم به تذکر است اینجانب از مسائلی که اگر خدای نکرده پشت پرده بوده هیچ اطلاعی ندارم و فقط به خاطر اینکه موظف هستم هر کاری که مسئولم به من می دهد انجام دهم چون تا بحال شکل کار به همین صورت بوده و مسئولین بالاتر هم در جریان بودند و ما اصلا فکر نمی کردیم که کار خلاف قانون و شرع است وظیفه در وزارت همین است که اگر کاری به ما ارجاع دادند به نحو احسن انجام دهیم.

اظهارات همین شخص در تاریخ 1377/12/05

عبدالله اسدی پدر عباس متولد 1338 شناسنامه شماره 9025 صادره از ورامین عین مطالب (بالا) با کلمات دیگر

" در تاریخ 8/30 طبق روال قدیم مسئول اداره اینجانب به بنده و دیگر برادران عملیات ابلاغ کردند به سر کاری بروید و در بین راه توضیحات کامل را می دهم که در بین راه توضیحات کامل را دادند و حدود ساعت 22:30 به نزدیکی منزل فروهر رسیدیم و مسئول موضوع برادر صادق (مهرداد عالیخانی) هم آمد و توضیحات را دادند و ما پس از دق الباب به داخل رفتیم و قتل به وقوع پیوست لازم به یاد آوری است که دستور اجرای کار طبق روال قدیم با ابلاغ سلسله مراتب یعنی مسئول اداری و مدیرکل به ما کار ارجاع می شد و اگر خدای نکرده سوءنیت در کار بوده از بالا بوده و ما هم به دلایل حفاظتی مجاز نبودیم حکم کتبی بخواهیم و موشکافی کنیم. کسی حکم را داده و از قدیم به این صورت بوده. از بالا که ابلاغ می شد سلسله مراتب یعنی مدیر کل و سپس مسئول اداره به ما ابلاغ می کرد و ما موظف به این کار بودیم حتی در چارت تشکیلاتی هم این کار برای ما منظور شده"

اظهارات اولیه ی علی احمدی مشهور به ناظری (نام مستعار سازمانی و اداری) با نام و مشخصات ساختگی امید حمیدی

صفحه ی 851-853 پرونده قتل‌های حکومتی

امید حمیدی فرزند علی متولد 1348 شماره شناسنامه 2755 کارمند (لیسانس) نیروی عملیاتی.

" بعد از اطلاع از طریق رضا روشن (رضا گودرزی فر) همکار خودم برادر موسوی (سید مصطفی کاظمی) اطلاع داده اند که کاری هست که باید انجام شود. جلسه موسوی (سید مصطفی کاظمی) صادق (مهرداد عالیخانی) رضا روشن خودم. مثل جلسات قبلی که برای سایر موارد حذف انجام می شد اطلاعات خاص آن کیس صحبت شد. در این صحبتها سوالاتی برای من موجود بود که از آقای موسوی یکی این بود که حکم این موضوعات را چه کسی داده که عنوان داشتند... در جریان هستند و مقام رهبری (آیت الله سید علی حسینی خامنه ای رهبر منتخب مجلس خبرگان) حکم شرعی را داده اند ولی جایی عنوان نکنید چرا که در صورت ضربه خوردن کیس برای مقام ولایت و نظام ضربه سنگینی خواهد بود.... توسط موسوی و سپس صادق به اینجانب و روشن (رضا گودرزی فر) می رسید پس از اتمام کار صادق تلفنی موارد را به موسوی اطلاع می داد تمام تماسها توسط صادق انجام می شد.

سوال : با توجه به اینکه شما جمعی (ابواب جمعی ، کارمند) معاونت 12 (اعداد 12، 13، 14 احتمالاً مربوط به شماره اداره های کل در

تشکیلات وزارت اطلاعات است) بوده اید چرا از طریق سلسله مراتب خودتان اقدام نکرده اید؟

(ج): با عنایت به اینکه طرح غدیر (عملیات قتل مجاهدین خلق جپی ها و سایرین مخالفین) از سابق انجام می شد و حقیر در اجرای احکام به عنوان نفر معاونت اجرای تکلیف می نمودم کما فی السابق که معاونین یعنی (آقای کمالی) می دانستند که حقیر کارهای معاونتهای مختلف منجمله 13 و 14 را انجام می دهم حقیر همکاری خود را با معاونت امنیت داشتم و حاج آقا شفیعی از همکاری حقیر با معاونت امنیت اطلاع کافی داشتند و می دانستند که حقیر کارهای طرح و حذف های آنها را انجام می دهم لازم به ذکر است معاونت اینجانب که حاج آقا شفیعی باشند از جریان همکاری من اطلاع داشتند اینگونه کارها تابحال به همین شرایط انجام می شد و گذشته و حال هم ادامه داشته.

اظهارات اولیه ی یکی از عاملین قتل ها با نام و مشخصات ساختگی مهدی ذوالفقار (جای دیگر با نام مهدی ذوالفقاری فرزند حسین)

در تاریخ 1377/10/03

صفحه 854 پرونده ی قتل های حکومتی

مهدی ذوالفقار فرزند محمد متولد 1347 شناسنامه شماره 1202 صادره از اراک کارمند وزارت (اطلاعات)

" باید به عرض برسانم که اینجانب بنا به دستور مقامات بالا (مسئول بالاتر) که روال کار اطلاعات می طلبد که طبق دستور مافوق باید انجام شود بدون هیچگونه توضیح و سوال و جوابی (کار اطلاعاتی اینگونه ایجاب می کند) طبق دستور به منزل داریوش (فروهر) مراجعه نمودیم. راس ساعت حدود 11 شب که پس از انجام کار محل را ترک نمودیم که در مورخه 8/30 این عمل انجام شد. در ضمن باید به عرض برسانم که (اطلاعی در مورد قتل های) پوینده و مختاری ندارم. لازم به ذکر می دانم که هر کاری که تا بحال انجام داده ام در هرزمینه برای رضای خداوند بوده و لاغیر و امیدم هم رضایت اوست. باید به عرض برسانم که قبل از انجام کار در حوالی منزل منتظر دستور بودیم که قرار شد دو تن از برادران بروند برخورد کنند. پس از باز شدن درب به منزل برویم که همین گونه هم شد که پس از وارد شدن دو تن از برادران به اتفاق برادران دیگر به منزل داریوش رفته و کار را تمام کردیم و سپس تک تک محل را ترک کردیم.

اظهارات اولیه ی علی صفایی با نام و مشخصات ساختگی محمد حسینی

تاریخ 1377/10/13

صفحه ی 858 پرونده قتل های حکومتی

محمد حسین حسینی نام پدر جواد نام مادر مریم متولد 1344 شناسنامه شماره ی 110 صادره از تهران کارمند وزارت (اطلاعات)

"... در وزارت اطلاعات کار سلسله مراتب است اکثر کارهای حذف طبق دستور بالاتر که همیشه مسئول اداره و مدیر کل در جریان بودند و تا بالا در این ارتباط بودند چون بعد در سخنرانی هایی که می کردند معلوم بود در جریان هستند مطابق روال عادی کارمان را انجام می دادیم. چون یک نیروی عملیاتی هستم.... چند روز قبل از حذف فروهر و همسرش مسول اداره با بنده صحبت کرد و گفت با مدیر کل هماهنگ و بالاتر از آنها در جریان هستند که بنده و دو سه نفر از برادران جهت شناسایی منزل رفته و شناسایی کردیم که در مورخه 8/30 مسئول اداره و برادران دیگر طبق روال کاری به سمت محل سوژه رفته که مسئول پرونده طبق روال عادی آمد و قرار شد که حذف همان شب انجام شود که به اتفاق برادران ساعت 22 وارد منزل شدیم. طبق دستور سوژه های مورد نظر حذف شدند و بنده در جریان بقیه سوژه ها (پوینده و مختاری) ... نبودم. این کارها را برای رضای خدا و همیشه با نام خانم، حضرت زهرا آغاز می کنیم.

علی صفایی در تاریخ 79/4/15 در صفحه ی 1284 پرونده قتل های حکومتی می گوید:

"... بنده و برادر مسلم (ابوالفضل کاند) و برادر فلاح (مرتضی عباسی) با خانم پروانه به طبقه بالا رفتیم که بعد از بازرسی عادی برادر فلاح دستور دادند که کار را شروع کنیم که بنده گردن و دهان ایشان را گرفتم و برادر مسلم هم دست ایشان را گرفت و برادر هاشم (مصطفی قربان زاده) آمد و ایشان را با دستمال آغشته بمواد بیهوشی و برادر علی محسن (مصطفی نوروزی معروف به محسنی) چند ضربه چاقو به ایشان زدند....."



ان ی پیا بخش چهارم